



یک سوریه سوریه سوءاستفاده می کند

تأسیس یک دولت عربی در سوریه بزرگ و محدود کردن مهاجرت یهودیان به فلسطین شد و به مخالفت اعراب با تشکیل یک دولت یهودی در فلسطین اشاره کرد.

در ماه مارس سال ۱۹۲۰، کنگره ملی سوریه تأسیس پادشاهی عربی سوریه را اعلام کرد و فیصل را به عنوان پادشاه این کشور منصوب کرد. شورای مشورتی او در دمشق شامل اعضای از تمام مناطق سوریه و همچنین عراق، مانند نوری پاشا السعید، طمپاشا الهاشمی و یاسین پاشا الهاشمی بود. با این حال، چهار ماه بعد، نیروهای فرانسوی ارتش او را در نبرد میسلون شکست دادند. فیصل به لندن گریخت و در سال ۱۹۲۱، بریتانیایی ها او را به عنوان پادشاه عراق منصوب کردند.

ملک فیصل، بلافاصله پس از تاجگذاری، اول یک سیاست پان عربی سختگیرانه اتخاذ کرد که فراتر از غرب آسیا گسترش یافت و شامل مصر و منطقه مغرب نیز می شد. او ساطع الحصری را که به عنوان وزیر آموزش منصوب کرده بود، مسئول تدوین دکترین ناسیونالیسم عربی کرد. او همچنین به دنبال اتحاد سوریه و عراق بود، اما بریتانیا و فرانسه تا زمان مرگش در سال ۱۹۳۳ مانع از همه این تلاش ها شدند. پسرش غازی جانشین او شد. ملک غازی، به عنوان یک پان عربیست سرسخت، به الزمان نزدیک شد و آلمان یک ایستگاه رادیویی به او هدیه داد که از آن برای پخش تفسیرهای سیاسی ضدبریتانیایی و ترویج اتحاد بین عراق و سوریه استفاده می کرد. موریس پترسون، سفیر بریتانیا، که از تهدید منافع بریتانیا نگران شده بود، از بریتانیا خواست تا او را کنترل یا برکنار کند. در ۴ آوریل ۱۹۳۹، دولت عراق مرگ غازی را در یک تصادف رانندگی اعلام کرد، اگر چه بسیاری از عراقی ها معتقدند که بریتانیا قتل او را ترتیب داده است.

در دهه های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰، اتحاد بین عراق و شام یک مسئله محوری برای سیاست داخلی و منطقه ای بود. پس از امضای توافق نامه کمپ دبیود توسط مصر در سال ۱۹۷۸، رژیم های بعضی در سوریه و عراق تلاش کردند تا متحد شوند. با این حال، رؤسای جمهور آنها - که هر دو از فرقه های اقلیت حاکم در کشورهای خود بودند (صدام حسین سنی و حافظ اسد علوی) - سیاست های شخصی و سلیقه ای را دنبال کردند که مذاکرات را از مسیر خود خارج کرد. با این وجود، رویای عراق و سوریه متحد هنوز هم در حافظه جمعی اکثر عراقی ها و سوری ها وجود دارد.

معضل اسرائیل

وقتی تنودور هرتزل در سال ۱۸۹۶ جزوه «دولت یهود» را منتشر کرد و از ایجاد یک سرزمین یهودی مستقل برای محافظت از یهودیان در برابر یهودستیزی و طرد اروپایی ها حمایت کرد، فلسطین را مکان ایده آلی برای تضمین امنیت قوم یهود می دانست. حملات مکرر فلسطینی ها به مهاجران یهودی، زیو ژابوتینسکی و الیا هو گولومب را بر آن داشت تا هاگانا، یک سازمان «دفاع از خود» یهودی را، در سال ۱۹۲۰ تأسیس کنند. سال بعد، شورش های گسترده ضد یهودی در یافا موجی از خشونت متقابل را آغاز کرد که حتی پس از تأسیس دولت یهود در ماه مه سال ۱۹۴۸ هم فروکش نکرد. شاید بشود گفت که این خشونت ها هنوز هم وجود دارند. این واقعیت که اسرائیل پس از بیش از سه ربع قرن از موجودیت خود، از امنیت برخوردار نبوده، سوالات اساسی را مطرح می کند که خارج از حوصله این بحث است.

یک روز پس از حمله گسترده حماس در ۷ اکتبر، نتانیاهو گفت که اسرائیل تا پایان جنگ با حماس، خاورمیانه را متحول خواهد کرد. با این حال، هیچ تضمینی وجود ندارد که چنین تحولی امنیت اسرائیل را افزایش دهد. رویکرد فعلی اسرائیل به صلح منطقه ای بر اساس این فرض است که راه حل باید حاصل جمع صفر باشد و اسرائیل برنده حتماً برنده مطلق این راه حل باشد. اما از نظر اعراب این نبرد، نبرد هویت ها است. در چنین درگیری ای، پیروزی حتی در درازمدت نیز دور از دسترس است.

ترجمه: آر یاصدقی

نگاه تحلیلیگر

جایگاه عربستان در استراتژی منطقه ای واشنگتن

سفر ترامپ به خاورمیانه نقطه آغاز استراتژی جدید آمریکا در ایجاد بالانس جدید قدرت در منطقه است



کامران بخاری

استاد دانشگاه جورج تاون

ایالات متحده جایگاه بین المللی عربستان سعودی را به عنوان بخشی از استراتژی گسترده تر واشنگتن برای ایجاد توازن مجدد قدرت در خاورمیانه ارتقا داده است. دولت ترامپ انتظار دارد که محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، این پادشاهی را به سمت ایفای نقش منطقه ای و جهانی بزرگتری هدایت کند و به ایالات متحده این امکان را بدهد که از میزان مواجهه خود با بی ثباتی مزمن در منطقه بکاهد. با این حال، قابلیت های محدود ریاض در اعمال قدرت، همراه با منافع متضاد سایر ذینفعان اصلی، احتمالاً میزان هرگونه عقب نشینی ایالات متحده از بی ثبات ترین منطقه جهان را محدود خواهد کرد.

در جریان سفر ۱۳ و ۱۴ مه دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، به عربستان سعودی، چندین تحول کلیدی رخ داد. او ولیعهد عربستان، توافق نامه هایی را در مورد سرمایه گذاری های عربستان سعودی در ایالات متحده به ارزش ۶۰۰ میلیارد دلار امضا کردند. از این مبلغ، ۱۴۲ میلیارد دلار مربوط به یک قرارداد دفاعی - بزرگترین قرارداد در تاریخ ایالات متحده - بود که سخت افزار و خدمات نظامی پیشرفته را از حداقل دوازده پیمانکار دفاعی آمریکایی در اختیار ریاض قرار می دهد. ۴۵۸ میلیارد دلار باقیمانده شامل تعهدات مالی عربستان در بخش های مختلف، از جمله فناوری، هوش مصنوعی، هوافضا، انرژی و زیرساخت ها بود. اما مهم ترین نکته این سفر، دیدار ترامپ با احمد الشرع، رئیس جمهور جدید سوریه - رهبر سابق شاخه سوری القاعده - بود که با حضور محمد بن سلمان و با حضور مجازی رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، برگزار شد.

تصمیم ترامپ برای قرار دادن عربستان سعودی به عنوان اولین مقصد در اولین سفر بین المللی بزرگ خود، نشان می دهد که واشنگتن نه تنها از نظر اقتصادی، بلکه از نظر استراتژیک نیز روی ریاض حساب می کند. عربستان سعودی، با وجود قدرت مالی اش، همچنان ضعیف ترین بازیگر منطقه ای در میان بازیگران اصلی منطقه ای است و پس از ترکیه، اسرائیل و ایران قرار دارد. از زمان دیدار تاریخی فرانکلین دی. روزولت، رئیس جمهور آمریکا، و عبدالعزیز بن عبدالرحمن، پادشاه عربستان سعودی، در سال ۱۹۴۵، ایالات متحده به عنوان ضامن امنیت پادشاهی عربستان عمل کرده است. این رابطه در طول جنگ سرد و تا دوران پس از جنگ سرد نیز ادامه داشته است. با گذشت زمان، شرايطی که مشارکت ایالات متحده و عربستان سعودی را شکل می داد، به تدریج تغییر کرد. نقطه آغاز این تغییر پروپاگندا اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، سپس حملات ۱۱ سپتامبر و جنگ های پس از آن، بهار عربی ۲۰۱۱، ظهور ترکیه به عنوان یک قدرت منطقه ای و نفوذ فزاینده ایران در کشورهای عربی بود. این تحولات، رویکرد واشنگتن به خاورمیانه را تغییر داد. واشنگتن تلاش کرده در مسیر به حداقل رساندن مواجهه آمریکا با این بی ثباتی ها حرکت کند و همین مسئله خطرات جهانی برای واشنگتن به همراه داشت.

با توجه به اینکه خاورمیانه در حال حاضر در وضعیت بی ثباتی به سر می برد، نیاز به یک معماری جدید امنیتی بیش از هر زمان دیگری احساس می شود. واشنگتن انتظار دارد این معماری به گونه ای باشد که باری که تقریباً یک قرن بر دوش کشیده است را بتواند زمین بگذارد. در چنین ساختاری تحولات جاری منطقه باید در نظر گرفته شود. موقعیت منطقه ای ایران به طور قابل توجهی تضعیف شده و جمهوری اسلامی در آستانه یک گذار قدرت بی سابقه آن هم در زمانی است که با مشکلات عدیده سیاسی و اقتصادی روبه رو است. در همین حال، ترکیه به عنوان بازیگر پیروز در سوریه، که به مرکز ثقل ژئوپلیتیکی منطقه تبدیل شده، از ایران پیشی گرفته است.

اگر قرار باشد ترکیه و اسرائیل سرنوشت سوریه را تعیین کنند، ایالات متحده مجبور خواهد شد عمیقاً درگیر خاورمیانه باقی بماند. اینجاست که نقش پررنگ تر عربستان سعودی حیاتی می شود. عربستان سعودی به عنوان قدرت پیشرو در جهان عرب و یکی از سه صادرکننده برتر نفت جهان (در کنار ایالات متحده و روسیه)، از اهرم مالی قابل توجهی برخوردار است. عربستان همچنین با تسلط ترکیه در سوریه مخالف است و به نظر می رسد که این مخالفت موجب می شود که عربستان با منافع ایالات متحده همسو تر شود. ترکیه مدت هاست که از گروه اسلام گرای سنی حاکم بر سوریه (هیئت تحریر الشام) حمایت می کند و این امر دخالت ریاض را ضروری می سازد.

ترامپ علناً اردوغان را مسئول شکل دهی سوریه جدید معرفی کرده است اما تصمیم ترامپ برای دیدار با احمد الشرع - یک رهبر جهادی سابق - در ریاض نشان می دهد که واشنگتن به دنبال ایجاد توازن قدرت بین ترکیه، عربستان سعودی و اسرائیل است. دولت ترامپ برای حفظ این مثلث، مجبور است از درگیری بین اسرائیل و ترکیه که حضور نظامی قابل توجهی در سوریه دارد و به شدت در ایجاد رژیم پس از اسد نقش دارد، جلوگیری کند. از دیدگاه اسرائیل، وجود یک رژیم اسلام گرای سنی مورد حمایت ترکیه در مرز شمالی اش به اندازه وجود یک رژیم مورد حمایت ایران در سوریه مشکل ساز است. اسرائیل قبلاً یک منطقه حائل در جنوب سوریه ایجاد کرده است و مذاکرات رفع تنش با ترکیه در حال انجام است. با وجود رکود ۱۵ ساله در روابط دوجانبه، ترکیه و اسرائیل همچنان روابط دیپلماتیک خود را حفظ کرده اند. ادغام عربستان سعودی در توافق نامه های ابراهیم، سنگ بنای این تغییر توازن منطقه ای است. تنها چند روز قبل از حمله حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به اسرائیل، به نظر می رسید که عربستان سعودی و اسرائیل به عادی سازی روابط نزدیک شده اند. چشم انداز این روند، از آن زمان قربانی جنگ اسرائیل و حماس شده است که در سال ۲۰۲۴ به یک درگیری منطقه ای گسترده تر تبدیل شد. اگرچه هر دو طرف ممکن است هنوز از عادی سازی حمایت کنند، اما الزامات مربوط به این عادی سازی، اکنون متفاوت است.

عربستان سعودی نمی تواند در حالی که جنگ در غزه ادامه دارد، پیشرفت کند و باید اقدامات خود را به عنوان گام هایی برای حل مسئله فلسطین قرار دهد. اسرائیل، به نوبه خود، نمی تواند جنگ را پایان دهد و غزه را در دستن حماس رها کند. واشنگتن این بن بست را درک می کند. همانطور که ترامپ گفت: «امید، آرزو و حتی رویای پرشور من این است که عربستان سعودی به زودی به توافق نامه ابراهیم بپیوندد. اما شما این کار را در زمان مناسب خودش انجام خواهید داد.»

کاخ سفید ریاض را برای اقدام فوری تحت فشار قرار نمی دهد، بلکه انتظار پیشرفت تدریجی دارد. واشنگتن از پادشاهی عربستان می خواهد که ابتکار مسئله فلسطین را بر عهده بگیرد. این مسئولیتی که ریاض و سایر ذینفعان مدت هاست به واشنگتن واگذار کرده اند. دولت های متوالی در ایالات متحده - چه جمهوری خواه و چه دموکرات - تلاش هایی را برای راه حل دو کشوری انجام داده اند، اما همه بی فایده بوده است. اما اکنون واشنگتن ریاض را تحت فشار قرار می دهد تا اقدامات بیشتری انجام دهد، همانطور که اروپا را برای مدیریت امنیت خود در بحبوحه جنگ روسیه و اوکراین تحت فشار قرار می دهد.

فرض این است که تعامل عربستان سعودی با اسرائیل در نهایت مسئله فلسطین را حل و فصل خواهد کرد. پیام ایالات متحده به عربستان سعودی است: «ما کمک خواهیم کرد، اما نمی توانیم این مسئله را برای شما حل کنیم.» مهم تر از آن، واشنگتن همچنین معتقد است که ایران به دلیل ضعف نقش آفرینی عربستان سعودی و تمایلش به آوردن اسرائیلی ها بر سر میز مذاکره، مدت هاست که از این درگیری سوءاستفاده می کند. از دیدگاه ایالات متحده، این وضعیت اکنون باید تغییر کند.

اینکه ریاض چگونه واکنش نشان خواهد داد، هنوز مشخص نیست. سعودی ها می خواهند از تسلط ترکیه در سوریه جلوگیری کنند، اما در عین حال نمی خواهند که آنکارا از آرمان فلسطین برای اهداف استراتژیک خود استفاده کند. چالش این است که عربستان سعودی تجربه کمی در ایفای چنین نقش منطقه ای قاطعی دارد و ایجاد این قابلیت ها زمان بر خواهد بود. با این حال، از نظر واشنگتن، شرایط مساعد است: ایران ضعیف شده و ایالات متحده به ارتقای جایگاه پادشاهی عربستان کمک می کند.

مذاکرات جاری ایالات متحده و ایران این تصویر را پیچیده تر می کند. تهران مشاهده کرده است که واشنگتن اکنون چگونه از نظر دیپلماتیک با رهبران جدید سوریه که زمانی قدرتمندترین شاخه القاعده در منطقه بودند، تعامل می کند. برخی در داخل ایران احتمالاً می خواهند از این گشایش برای تضمین کاهش تحریم ها و حفظ ثبات سیستم - و البته حفظ نفوذ خود در عراق و یمن - استفاده کنند. اما انعطاف ناپذیری جریان تندرو در تهران همچنان یک مانع بزرگ است. ترامپ برای کاهش هدر رفتن منابع آمریکا در درگیری های طولانی مدت در مناقشات منطقه ای، تغییر شکل قابل توجهی در خاورمیانه را آغاز کرده است. با این حال، تغییرهای زیادی چالش هایی را برای یک چار چوب امنیتی منسجم ایجاد می کنند. همسو کردن آنها در یک سیستم واحد، کاری دشوار خواهد بود.

سیاستمداران



مذاکره مستقیم نمی کنیم

یکی از رهبران حماس تأکید کرد: تا این لحظه هیچ اتفاق نهایی در ارتباط با آتش بس با اشغالگران حاصل نشده است. «اسامه حمدان»، یکی از رهبران حماس درباره مذاکرات آتش بس در غزه اظهار داشت: مذاکرات در ابتدا بر آتش بس متمرکز هست و همچنین آزادی آسرا و بعد از آن مذاکرات به سمت توافق کامل پیش می رود. تا این لحظه ما به ایده های اساسی رسیده ایم و هیچ اتفاقی نهایی حاصل نشده است البته ما سر بازی را آزاد کردیم که تابعیت آمریکایی داشت و این موضوع عاملی کمک کننده در راه دستیابی به توافق هست. وی در ادامه این گفت و گو که روز یکشنبه و در حاشیه مجمع گفت و گوی تهران انجام شده درباره کشتارهای اخیر در غزه و جنایات صهیونیست ها با وجود در خواست ها برای توقف جنگ تأکید کرد: ما به صورت مستقیم با اسرائیل مذاکره نمی کنیم و اعتقادمان بر این است که آمریکا کسی است که شرایط را برای اسرائیل جهت ارتکاب کشتارهایی که اکنون رخ می دهند، فراهم کرده است و تسلیحاتی را در اختیارش قرار داده است و بخش سیاسی آمریکا این را برایش تأمین می کند، لذا بهتر است آمریکا این کشتار را متوقف کند و از نظر ما این کار مهمی است که آمریکا باید انجام دهد.



غزه را ویران می کنیم

وزیر دارایی رژیم صهیونیستی اعلام کرد این رژیم همه غزه را ویران خواهد کرد. «بتسلئیل اسمورتیچ» وزیر دارایی رژیم صهیونیستی گفت: ما هر چه از غزه باقی مانده است را نابود خواهیم کرد و ارتش ما هیچ چیزی در آنجا باقی نخواهد گذاشت. وی ادعا کرد: اقدام ما در غزه منجر به نابودی حماس و بازگشت آسرا خواهد شد. طبق گزارش الجزیره، وی گفت: حداقل کمک ها وارد غزه می شود و چیزی به حماس نمی رسد. اسرائیل فلسطینی ها در نوار غزه را به انتقال به جنوب مجبور خواهد کرد و از آنجا به کشور سومی کوچانده خواهند شد. اسمورتیچ گفت: ارتش از روز گذشته با پنج لشکر و با قدرت و نیرویی که از آغاز جنگ مانند آن را ندیده ایم در غزه می جنگد. پیش از این نیز «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی گفت که این رژیم کنترل تمام مناطق غزه را در دست خواهد گرفت. نتانیاهو درباره انتقادات از اسرائیل در مورد ورود کمک ها به غزه گفت: برای دستیابی به پیروزی، یک شرط اساسی وجود دارد و آن جلوگیری از قحطی در غزه است. ارتش رژیم صهیونیستی اخیراً عملیات «ارابه های گدعون» را برای اشغال مناطق محوری غزه آغاز کرد.



لغو سفر ونس به اسرائیل

یکی از مقام های ارشد آمریکایی گفت، پس از گسترش حملات رژیم صهیونیستی در نواز غزه معاون ترامپ که قرار بود روز سه شنبه به اراضی اشغالی برود، سفر خود را لغو کرد. این مقام آمریکایی همچنین گفت جی. دی ونس، معاون دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا این تصمیم را گرفت زیرا نمی خواست سفرش این گمان را ایجاد کند که دولت واشنگتن تصمیم تل آویو برای آغاز یک عملیات گسترده را در زمانی تأیید کرده که ایالات متحده برای آتش بس و توافق آسرای صهیونیست تلاش می کند. به نقل از پایگاه خبری آکسیوس، ونس رسماً دلایل لجستیکی را برای لغو سفرش به اراضی اشغالی اعلام کرد اما این تصمیم این مسئله را روشن می کند که آمریکا درباره سیاست کنونی صهیونیست ها در غزه روشن عمل کرده است. بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی از اعضای هرگونه توافقی که به پایان جنگ غزه منجر شود، امتناع کرده و انعطاف کمی را در مذاکرات نشان داده است.